

واکاوی قانون جرم سیاسی در پرتو مواد ۳۰۵ و ۳۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری و اصل ۱۶۸ قانون اساسی

میرزا سلیمی*

چکیده:

یکی از اصول دادرسی منصفانه، اصل علنی بودن دادرسی می‌باشد. قانونگذاران کشورها بنابر پاره‌ای اقتضائات، استثنائات این اصل را نیز بیان می‌کنند. یکی از حقوقی که برای این مجرمین در سیستم حقوقی کشورها در نظر گرفته شده است اصل علنی برگزار شدن دادرسی‌های مربوط به مجرمین سیاسی به صورت مطلق می‌باشد و استثنائی در آن راه ندارد. در سیستم کیفری ایران نحوه محاکمه مجرمین سیاسی با فراز و نشیب‌های فراوانی روبه‌رو بوده است. یکی از دلایل شدت گرای کیفری علیه این دسته از مجرمان ترس قدرت حاکمه و تزلزل حکومت پیرو اقدامات مجرمین سیاسی می‌باشد، درحالی که مجرمین سیاسی بزهکاران فعلی و قهرمانان آینده می‌باشند و روح عدالت‌خواهی آنها را به سمت کجروی هدایت می‌کند. لذا وجود یک سیاست کیفری افتراقی چه در بعد حقوق کیفری ماهوی و حقوق کیفری شکلی و همچنین برگزاری محاکمه مجرمین سیاسی به صورت علنی و بدون استثناء، اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. موضوعی که در اصل ۱۶۸ قانون اساسی پیش‌بینی شده است؛ اما قانونگذار عادی در سال ۱۳۹۲ با وضع مواد ۳۰۵ و ۳۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری و ماده ۴ قانون جرم سیاسی در سال ۱۳۹۵ زمینه نقض آشکار و صریح اصل ۱۶۸ قانون اساسی را فراهم کرد. موضوع این مقاله بررسی این موضوع می‌باشد.

کلیدواژه‌ها:

مجرم سیاسی، اصل علنی بودن، قانون اساسی، قانون آیین دادرسی کیفری، دادرسی منصفانه.

مقدمه

یکی از مسائل مهمی که ریشه در حقوق و آزادی‌های بنیادین افراد و به‌نوعی ریشه در حقوق بشر دارد، اصل علنی بودن رسیدگی‌ها می‌باشد. نظر به اینکه قضات به‌عنوان دو بال فرشته عدالت به‌منظور پیشگیری از انحرافات موضعی در درون امت اسلامی از نقشی حائز اهمیت برخوردارند، باین حال ممکن است در برخی از شرایط آنها در مظان اتهام قرار گیرند. یکی از این موقعیت‌ها برگزاری دادگاه‌ها به‌صورت غیرعلنی است چراکه موجب خدشه‌دار شدن اعتماد مردم به نظام می‌شود و اصل برابری سلاح‌ها را خدشه‌دار می‌کند. در نتیجه حتی‌المقدور برای جلوگیری از تالی فاسد این موضوع بنیان‌گذاران حکومت‌ها و سیستم قضایی هر کشور با برگزاری رسیدگی دادگاه‌ها به‌صورت علنی صحه می‌گذارند. در این اثنا جرم سیاسی و رسیدگی به این جرایم با توجه به اینکه مرتکبین این جرایم از مصلحان اجتماعی می‌باشند و خودشان را وقف جامعه‌ی خویش می‌کنند، حائز اهمیت می‌باشد و اتفاقاً در رسیدگی به جرایم این دسته از مرتکبان اصل علنی بودن دادرسی خود را نشان می‌دهد. با مذاقه در تطور تاریخی قانونگذار ایرانی عیان می‌شود که علنی بودن رسیدگی دادگاه‌ها برای مجرمین سیاسی امری اجتناب‌ناپذیر و به‌عنوان یک اصل استثناء‌ناپذیر بوده، چه آنکه علنی بودن دادرسی یکی از تضمینات مهم امنیت قضایی می‌باشد.^۱ جرم سیاسی در طول تاریخ تحولات عدیده‌ای را پشت سر گذاشته است. تا اوایل قرن نوزدهم بین جرایم عمومی و سیاسی فرقی وجود نداشت و مجرمان سیاسی از امتیاز علی‌حده‌ای برخوردار نبودند. از قرن نوزدهم و با تأثیر پذیرفتن از فلاسفه دوران روشنگری از جمله منتسکیو با کتاب معروف خود «روح‌القوانین» و روسو با کتاب «قرارداد اجتماعی» و دیگران رفته‌رفته نگاه‌ها به سمت مجرمان سیاسی و نوع رفتار ارتكابی آنها با تحولاتی روبه‌رو شد ولی باین حال به‌دلیل تنفر افکار عمومی از حکومت توتالیترو و سلطنت‌طلب مانعی در مسیر بهبود وضع مجرمان سیاسی به‌وجود آمد.^۲ شاهد این مدعا انقلاب کبیر فرانسه بود که انقلابیون هیچ‌گونه مخالفتی را تحمل نمی‌کردند و خود این امر وضع مجرمان سیاسی را در هاله‌ای از ابهام قرار می‌داد. به‌موجب قانون جزای سال ۱۸۳۰ فرانسه مقرر شد که محاکمات مجرمان سیاسی با حضور هیئت‌منصفه به‌عمل آمد. متعاقب آن نیز مجازات‌های ویژه‌ای برای این طیف از مجرمان در نظر گرفته شد و در سال ۱۸۴۸ و با

۱. آخوندی، آیین دادرسی کیفری، جلد ۴، ۲۱۵.

۲. رودی، ک.ک. ج. آندرسن، آشنایی با علم سیاست، ۶۱-۶۰.

برکناری لویی فلیپ مجازات اعدام لغو می‌شود. با وقوع جنگ‌های جهانی اول و دوم جرم سیاسی سیر نزولی خود را طی می‌کند، به‌گونه‌ای که نه‌تنها تخفیف شامل حال این دسته مجرمان نمی‌شود بلکه طیف وسیعی از مجازات‌های تزدیلی که از پیامدهای دهشتناک جنگ بود، به اجرا در آمد؛ چه‌آنکه بیشتر دولت‌های جهان بر این باور بودند که به رسمیت شناختن جرم سیاسی موجب تزلزل ارکان حکومتی و بنیه نظام دست‌نشانده آنها می‌شود.^۳

در حقوق ایران نیز جرم سیاسی با تحولات عدیده‌ای روبه‌رو شده است: در ایران باستان و در دوره هخامنشیان مقابله با شاه و خاندان سلطنتی با مجازات سنگین روبه‌رو می‌شد. در زمان ساسانیان نیز افرادی که نسبت به شاهنشاه انتقادی می‌کردند در میان جانوران موذی محبوس می‌شدند و به وضع اسف‌باری کشته می‌شدند.^۴ ملخص کلام اینکه در آن دوره علی‌رغم تفکیک بین جرایم عمومی از سیاسی که کتاب اوستا نیز گواه این امر می‌باشد اما این تقسیم‌بندی زمینه‌ای برای شدت‌گرایی کیفری نسبت به این دسته از مجرمان بود.^۵ در دوره پس از اسلام قوانین جزایی دایر مدار فقه بود^۶ اما با وجود قوانین اسلامی پادشاهان وقت با توجه به سلیقه خود نسبت به مجرمان سیاسی عمل می‌کردند که این موضوع در دوره حکومت صفوی که پرچم‌دار تشیع بود، به حد اعلای خود رسید.^۷ از زمان مشروطه و به تاسی از حقوق کشورهای مدرن تحولاتی راجع به وضعیت حقوقی مجرمان سیاسی به عمل آمد که یکی از این مزایا برگزاری علنی محاکمات مجرمین سیاسی می‌باشد.

در اصل ۷۶ متمم قانون اساسی مشروطیت می‌خوانیم که انعقاد کلیه محاکمات علنی است مگر آنکه علنی بودن آن محل نظم یا منافی عفت باشد در این صورت لزوم غیرعلنی بودن را محکمه اعلان می‌نماید. در ادامه به‌موجب اصل ۷۹ مقرر گردیده است در مورد تقصیرات سیاسی و مطبوعاتی هیئت منصفه در محاکم حاضر خواهند بود.^۸

علی‌رغم اینکه قانونگذار دوران مشروطه صحبتی از علنی بودن رسیدگی به جرایم مرتکبان جرم سیاسی به میان نیاورده بود ولی همسو با تحولات حقوقی سایر کشورها به این

۳. اصغری، «جرم سیاسی در حقوق ایران و مطالعه تطبیقی آن»، ۵۴.

۴. راوندی، *سیر قانون و دادگستری در ایران*، ۱۰.

۵. پاشا صالح، *مباحثی از تاریخ حقوق*، ۱۳۸.

۶. همانجا.

۷. دانش، *حقوق زندانیان و علم زندان‌ها*، ۴۶.

۸. هاشمی، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، ۲، ۴۶۷.

اصل به‌عنوان یک بنیان حقوقی نگریسته بود و به‌نوعی از تجربه تلخ سرکوب مخالفان با غیرعلنی برگزار کردن محاکمات که مانع از افشای حقیقت می‌شده و به‌نوعی موجب بی‌اعتمادی حکومت و انحراف از عدالت بوده، عبرت گرفتند. ولی حکومت استبدادی اجازه چنین تحولاتی را به مشروطه‌خواهان نداد و مصادیق جرایم سیاسی در عداد جرایم عادی قرار داشت و دادگاه نظامی بدون توجه به قانون مرقوم مجازات‌های سنگینی اصدار می‌کرد.^۹ در زمان سلطنت رضاشاه پهلوی در قانون جزای عمومی ۱۳۰۴ تأسیساتی درباره مجرمان سیاسی پیش‌بینی شد. از جمله اینکه احکام تکرار جرم دربارہ این دسته از مجرمان اعمال نمی‌شود و بر همین منوال قیاس می‌شود اما در مورد اصل علنی بودن مقرراتی پیش‌بینی نکرده است.

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تدوین قانون اساسی در سال ۱۳۵۸ و بازنگری سال ۱۳۶۸ روح عدالت‌خواهی نوین جان تازه‌ای یافت. به‌گونه‌ای که در اصل اول قانون اساسی جمهوری اسلامی، حکومت را حکومت حق و عدل قرآن معرفی می‌کند و در اصل ۲ بند ۶ به‌نوعی دادرسی عادلانه را بیان می‌کند. با مذاقه در این قانون به‌عنوان قانون مادر عیان می‌شود که قانونگذار با واژه جرم سیاسی و علنی بودن دادرسی به‌عنوان یک اصل کلاسیک بیگانه نبوده است و در اصل ۱۶۵ ق.۱ به اصل کلی علنی بودن رسیدگی‌ها و استثنائات آن پرداخته و در اصل ۱۶۸ نیز به‌صورت علی‌حده به علنی بودن رسیدگی به جرم سیاسی پرداخته است.

در ادامه سابقه تاریخی قوانین ایران به‌گونه‌ای با غامض بودن این مقررات و بعضاً خلأ مواجه بودیم. به‌گونه‌ای که در چهارچوب قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب سال ۱۳۷۳ رسیدگی به جرم سیاسی در هاله‌ای از ابهام بود و در اصلاحیه این قانون در سال ۱۳۸۱ با الحاق تبصره‌ای به ماده ۲۰ در قالب تبصره ۱ به رسیدگی به جرم سیاسی در دادگاه کیفری استان اشاره می‌کند، بدون اینکه این دادگاه اجباری به رعایت علنی بودن داشته باشد! در سال ۱۳۹۲ با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری بار دیگر مسئله علنی برگزار شدن دادرسی مجرمان سیاسی مطرح شد و این بار قانونگذار در چهارچوب مواد ۳۰۵ و ۳۵۲ به این اصل کلی پرداخته ولی همچنان شائبه نقض اصل ۱۶۸ که به‌صورت مطلق اصل علنی بودن رسیدگی به مرتکبین جرایم سیاسی را پیش‌بینی کرده بود، به‌نظر می‌رسد و در آخرین اراده

قانونگذار در اردیبهشت ۱۳۹۵ قانون جرم سیاسی تصویب می‌شود و پس از سال‌ها بیهوده ماندن اصل ۱۶۸ قانون اساسی به‌صورت شتابزده قانون مرقوم تصویب شد. در این مقاله به بررسی قانون جرم سیاسی در خصوص ماده ۴ قانون مرقوم درباره نحوه رسیدگی به جرایم سیاسی و مقایسه آن با قانون آ.د.ک سال ۱۳۹۲ اصلاحی ۱۳۹۴ در چهارچوب مواد ۳۰۵ و ۳۵۲ و اصل ۱۶۸ می‌پردازیم و پس از بررسی سابقه و نحوه رسیدگی به جرایم مرتکبین جرم سیاسی و نقد و بررسی مسائل پیرامون آن نکاتی پیرامون اصلاح قانون به‌عنوان ماحصل تحقیق ارائه خواهد شد.

۱- علنی بودن رسیدگی‌ها

«علن» در اصطلاح حقوقی یعنی «آزاد بودن ورود و خروج مردمان به جلسه دادرسی تا بتوانند از جریان آن آگاه شوند. این وسیله‌ای است برای منع پاره‌ای از انحرافات».^{۱۰} در قانون آیین دادرسی کیفری تصریح شده که منظور از علنی بودن محاکمه، عدم ایجاد مانع برای حضور افراد در جلسات رسیدگی است و رسانه‌ها حق انتشار جریان رسیدگی و گزارش پرونده که متضمن بیان مشخصات شاکی و متهم و هویت فردی یا موقعیت اداری و اجتماعی آنان باشد را ندارند و بیان مفاد حکم قطعی و مشخصات محکوم‌علیه فقط در موارد مقرر در قانون امکان‌پذیر است.

از منظر قرآن کریم داوری در میان مردم باید با عدالت باشد^{۱۱} و این رویه در سیره معصومین نیز مشاهده می‌شود. همچنان‌که در رساله حقوق امام سجاد (ع) از حق رعیت بر حاکم سخن به‌میان می‌آورد.^{۱۲}

یکی از جلوه‌های نیکوی عدالت اصل دادرسی علنی می‌باشد. این حق برای آن به رسمیت شناخته شده است که دادگاه‌ها به‌عنوان مرجع تظلم‌خواهی و جایگاه و مظهر عدالت و مجریان آن (قضات) در انظار مردم به عدول از بی‌طرفی محکوم نشوند و به عبارتی در راستای تقویت وجود عدالت واقعی قضایی می‌باشد.

۱۰. جعفری لنگرودی، مسوط در ترمینولوژی حقوق، ۴، ۲۶۳۶.

۱۱. نک: نساء آیه ۵۸ - ص آیه ۲۶.

۱۲. تألیف ابومحمد حسن بن علی بن حسین «تحف العقول» سجاد علیه‌السلام به دو صورت بیان شده است:

۱. متن مفصل که در کتاب «الخصال» بن شعبه حرانی (متوفی ۳۸۱ ه.ق) نقل شده است و شامل پنجاه حق

است. ۲. متن مختصر که در کتاب‌های «من لا یحضره الفقیه» و «الامالی» تألیف ابوجعفر محمد بن علی بن

حسین بن بابویه قمی (متوفی ۳۸۲ ه.ق) ذکر شده است.

در نظام‌ها و تحولات آیین دادرسی کیفری نیز می‌توان اصل علنی بودن دادرسی‌ها را نظاره کرد. به‌گونه‌ای که در سیستم اتهامی به‌عنوان قدیمی‌ترین شیوه رسیدگی به دعوی در روم، یونان باستان و ... رسیدگی‌ها به‌صورت علنی برگزار می‌شد.^{۱۳}

۲- اصل علنی بودن رسیدگی‌ها از منظر مقررات بین‌المللی

در زمینه لزوم علنی بودن دادرسی‌ها، اسناد عدیده‌ای در سطح بین‌المللی وجود دارد که برخی از این اسناد از ره‌آورد سازمان ملل و به شکل جهانی و برخی به شکل منطقه‌ای می‌باشد. با مذاقه در این اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای می‌توان به اصل علنی بودن دادرسی‌ها و اهمیت زایدالوصف آن پی برد.

۲-۱- اعلامیه جهانی حقوق بشر

اعلامیه جهانی حقوق بشر به‌عنوان یک پیمان بین‌المللی که از ره‌آورد مجمع عمومی سازمان ملل در تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ به‌تصویب رسیده است، در ماده ۱۰ اشعار می‌دارد: «هر انسانی سزاوار و محق به دسترسی کامل و برابر به دادرسی آشکار و عادلانه توسط دادگاهی بی‌طرف و مستقل است تا در برابر هرگونه اتهام جزایی علیه وی، به حقوق و تکالیف وی رسیدگی کند.»

۲-۲- میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به‌عنوان یک عهدنامه و پروتکل بین‌المللی که از ره‌آورد مجمع عمومی سازمان ملل با الهام از اعلامیه جهانی حقوق بشر در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ به‌تصویب رسید و دولت ایران در تاریخ ۱۵ فروردین ۱۳۴۷ این میثاق را امضاء و در ۱۷ اردیبهشت ۱۳۵۴ از تصویب گذراند، به‌موجب ماده ۹ قانون مدنی در حکم قوانین داخلی و قابل‌استناد می‌باشد. همچنین در بند یک ماده ۱۴ میثاق مذکور بیان شده است: «همه درمقابل دادگاه‌ها و دیوان‌های دادگستری متساوی هستند. هرکس حق دارد به اینکه به دادخواهی او منصفانه و علنی در یک دادگاه صالح مستقل و بی‌طرف تشکیل شده طبق قانون رسیدگی شود و ...»

۲-۳- دیوان کیفری بین‌المللی^{۱۴}

دیوان کیفری بین‌المللی به‌عنوان اولین دادگاه دائمی بین‌المللی برای رسیدگی به جرایم نسل‌زدایی، جنایت علیه بشریت - جنایت جنگی و تجاوز ارضی که اساسنامه آن در ۱۵ ژوئن ۱۹۹۸ در رم به تأیید و در ژوئیه ۲۰۰۲ به تصویب رسید. در ماده ۶۴ بند ۷ و ماده ۶۷ بند ۱ از علنی بودن دادرسی‌ها به‌عنوان یکی از حقوق متهم یاد می‌کند.^{۱۵}

چهل کشور هم اساسنامه رم را امضاء کرده‌اند اما هنوز به تصویب مجالس قانونگذاری خود نرسانده‌اند. از سوی دیگر کشورهایی نظیر آمریکا و سودان و نیز رژیم غاصب صهیونیستی از امضای پیمان دادگاه بین‌المللی خودداری کرده‌اند.^{۱۶} ایران در ۳۱ دسامبر ۲۰۰۲ اساسنامه را امضاء کرده، اما هنوز تصویب آن را در دستور کار مجلس قرار نداده است.^{۱۷}

۳- اصل علنی بودن رسیدگی در حقوق ایران

با مذاقه در قوانین جمهوری اسلامی ایران می‌توان پی برد که قانونگذار ایرانی با الهام از یافته‌های بین‌المللی و حقوق بشری به اصل علنی بودن رسیدگی‌ها صحت گذاشته است.

در اصل ۱۶۵ قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸ نیز به اصل دادرسی علنی و استثنائات آن پرداخته شده است. همچنین اصل ۱۶۸ نیز مجدداً به دادرسی علنی ناظر بر جرایم سیاسی و مطبوعاتی به‌عنوان یکی از اصول دادرسی منصفانه صحت گذاشته است.^{۱۸}

با تصویب قانون آیین دادرسی مدنی در سال ۱۳۷۹ سخنی از اصل علنی بودن به‌میان نیامده است که این رویکرد افزون بر اینکه مغایر با نص صریح قانون اساسی می‌باشد. نوعی پسرفت نسبت به سابقه تقنینی خود تلقی می‌شود؛ چراکه کنکاش در نظام قانونگذاری کشورمان بیانگر پذیرش علنی بودن دادرسی در قانون سابق آیین دادرسی مدنی در قالب ماده ۱۳۶ بود ولی بعد از انقلاب از دید مقنن مغفول مانده بود.^{۱۹}

14. International Criminal Court

۱۵. خالقی، «اصل علنی بودن دادرسی در پرتو اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی»، ۱۰.

16. Rome Statute of the International Criminal Court United Nations Treaty Collection

۱۷. دیوان کیفری بین‌المللی مرکز تحقیقات استراتژیک، معاونت پژوهش‌های فقهی و حقوقی.

۱۸. خالقی، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، ۲۷۰.

۱۹. شمس، آیین دادرسی مدنی، جلد ۲، ۱۴۳.

با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۷۸ بار دیگر زمینه اجرای اصل ۱۶۵ قانون اساسی فراهم گردید به گونه‌ای که در ماده ۱۸۸ به علنی بودن محاکمات دادگاه اشاره می‌کند و در تبصره ۱ که در سال ۱۳۸۵ مورد اصلاح قرار گرفت، اشعار می‌دارد که: «منظور از علنی بودن محاکمه عدم ایجاد مانع جهت حضور افراد در جلسات رسیدگی است.»

در قانون آیین دادرسی کیفری جدید تصویب ۱۳۹۲ و اصلاحی ۱۳۹۴ به اصل علنی بودن دادرسی پرداخته و در صدر ماده ۳۵۲ به علنی بودن دادرسی‌ها به عنوان یک اصل تضمین کننده دادرسی عادلانه پرداخته و ذیل آن استثنائات این اصل را نیز بر شمرده است.

و سرانجام در آخرین اراده قانونگذار به تاریخ ۱۳۹۵/۰۲/۲۰ با تصویب قانون جرم سیاسی و مسکوت گذاشتن نحوه رسیدگی به جرایم سیاسی و ارجاع این امر به قانون آیین دادرسی کیفری در ماده ۴ قدم برداشت. ناگفته نماند که در طرح اولیه قانون مذکور به صراحت در ماده ۴ و همسو با لایحه‌ای که مجلس در سال ۱۳۸۰ به تصویب رسانده بود، به نحوه برگزاری محاکمات مجرمان سیاسی به صورت علنی پرداخته شده بود ولی در هر دو مقرر به صراحت از سوی شورای نگهبان مورد ایراد قرار گرفت و حذف شد.

در نتیجه باید گفت که علنی بودن محاکمات به عنوان یک اصل بدیهی به عنوان تضمینی برای اصحاب دعوی قلمداد می‌شود تا در پرتو آن محاکم مورد پایش قرار گیرد و از ره آورد آن اعتماد به دستگاه قضا بیشتر می‌شود. همین گونه است که در سیره عملی معصومین (ع) نیز رسیدگی‌ها در یک فضای عمومی مثلاً مسجد به عمل می‌آید. فلسفه این کار علنی بودن رسیدگی‌ها و امکان حضور مردم در این جلسات می‌باشد تا نسبت به بی طرفی قضات اطمینان یابند.^{۲۰}

۴- جرم سیاسی و علنی بودن مطلق رسیدگی‌ها

جرم سیاسی در اصطلاح «بزه علیه سازمان‌ها و طرز اداره حکومت و یا علیه حقوق ناشی از آن است.» باغیان در اسلام مجرمین سیاسی هستند. مجرمان سیاسی را متأوله نیز گویند: این واژه در برابر جرم عادی می‌باشد.^{۲۱}

کلمه متأوله خود ریشه عربی دارد و به معنای بالغ و هشداردهنده است.

۲۰. نک: اصل ۳۴ قانون اساسی.

21. Sills, *International Encyclopedia*, 246.

«جرم سیاسی سستی عبارت است از تلاش برای سرپیچی یا لطمه زدن به یک موقعیت قدرت سیاسی، به وسیله اعمال مخالف و یا ناسازگار با قواعد سیستم سیاسی موجود؛ تفاوت جرم سیاسی با نافرمانی مدنی در این است که «نافرمانی مدنی» به مثابه رویکردی برای تاکتیک‌ها و اشکال پیکار سیاسی، جهت برون‌رفت از وضعیت موجود است که اقدامی مسالمت‌آمیز قلمداد می‌شود.»^{۲۲}

«جرم سیاسی عموماً به هر جرمی که مستقیماً علیه حکومت انجام شود، مثل خیانت به مملکت و آشوب‌های سیاسی، گفته می‌شود. این نوع جرم هرگونه تشنج و ناآرامی سیاسی خشونت‌آمیز بدون ارجاع به یک جرم خاص را شامل می‌شود.»^{۲۳}

«جرم سیاسی عبارت از هر عملی است که به خاطر یک هدف یا انگیزه سیاسی، انجام گیرد. این عمل ممکن است دارای انگیزه سیاسی باشد، ولی به صورت مجرمانه انجام گیرد.»^{۲۴}

صرف نظر از اینکه آیا باغیان مجرم سیاسی می‌باشند و یا خیر و بررسی این بحث که موضوع این مقاله نمی‌باشد و صحت و سقم تعاریف فوق‌الذکر، باید گفت که طرح جرم سیاسی که موضوع اصل ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است یکی از موضوعات مهمی است که کشور ما با آن روبه‌روست. پس از گذشت ۳۶ سال از تصویب قانون اساسی هنوز اصل ۱۶۸ ق.ا. در خصوص ارائه تعریفی از جرم سیاسی به طور کامل به اجرا درنیامده است. یکی از مهم‌ترین دلایل عدم برگزاری جلسات رسیدگی مجرمان سیاسی به صورت علنی، عدم تعریف درست جرم سیاسی و عدم تصویب قانونی در این زمینه بود. یکی از دلایل این امر مشخص نبودن مصادیق جرم سیاسی و نبود معیار دقیق برای تعریف جرم سیاسی می‌باشد. همچنان که در قانون جرم سیاسی که در سال ۱۳۹۵ به تصویب رسید، این موضوع مسکوت ماند و صرفاً در ماده ۲ به مصادیق جرم سیاسی و در ماده ۳ به جرایمی که مشمول عنوان جرم سیاسی نمی‌شود، پرداخت. اقدامی که از نظر تقنینی پسندیده نبود. این امر با مذاقه در سیستم حقوقی کشورهای مختلف مانند سوئیس، ایتالیا، آلمان و فرانسه نیز به منصفه ظهور می‌رسد و می‌توان ناظر این تعارضات بود.

در نظام حقوقی ایران طرح دو لایحه در خصوص جرم سیاسی حائز اهمیت می‌باشد:

22. Ibidem.

23. Campbell, *Black's Law Dictionary*, 1180.

24. Bledose and Boezek, *The International Law Dictionary*, 142.

۱- طرحی که از سوی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ارائه شد و در آن جرم سیاسی این‌گونه تعریف شده است:

«فعل یا ترک فعلی که مطابق قوانین موضوع قابل مجازات است هرگاه با انگیزه سیاسی علیه نظام سیاسی مستقر و حاکمیت دولت و مدیریت سیاسی کشور و مصالح نظام جمهوری اسلامی و با حقوق سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شهروندان و آزادی‌های قانونی آن ارتکاب یابد جرم سیاسی به‌شمار می‌آید، مشروط بر آنکه مقصود از ارتکاب آن نفع شخصی نباشد.» همچنین به برخی از مصادیق جرم سیاسی نیز اشاره کرده است به شرط آنکه قابل انطباق با تعریف فوق‌الذکر باشد:

تشکیل دستجات و عضویت در آن با هدف برهم زدن امنیت کشور (ماده ۴۹۸ و ۴۹۹) - فعالیت تبلیغی علیه نظام (ماده ۵۰۰ ق.م.ا) - سلب آزادی شخصی افراد ملت یا محروم نمودن آنان از حقوق مقرر در قانون اساسی (ماده ۵۷۰) - اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرایم علیه امنیت (ماده ۶۱۰) و ...

۲- در پیش‌نویس وزارت دادگستری جرم سیاسی این‌گونه تعریف شد:

«اقدام مجرمانه‌ای که بدون اعمال خشونت توسط اشخاص حقیقی با انگیزه سیاسی و یا به‌وسیله گروه‌های سیاسی قانونی علیه نظام سیاسی مستقر و حاکمیت نظام جمهوری اسلامی ایران و یا علیه حقوق سیاسی و اجتماعی شهروندان انجام گیرد، مشروط بر آنکه انگیزه ارتکاب آن منافع شخصی نباشد. به‌علاوه مبادرت به بیان تعدادی از مصادیق جرم سیاسی نموده است.»

شایان ذکر است که پیش از تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ در پیش‌نویس لایحه در ماده ۴ اقدام به تعریف جرم سیاسی و تعیین مصادیق آن شد و مجازات حبس از شش ماه تا دو سال یا اجبار به اقامت در محل معین یا منع از اقامت در محل معین از دو سال تا سه سال و محرومیت از حقوق اجتماعی به مدت پنج سال تعیین شده بود.

اما درنهایت متن ماده ۴ با ایراد شورای نگهبان حذف شد. به هر صورت تعابیری که از جرم سیاسی از منظر حقوق‌دانان و جرم‌شناسان و قانونگذاران کشورها می‌شود، متفاوت است. برخی جرم سیاسی را وصف می‌دانند که به جرایم الحاق می‌شوند. به عبارت دیگر هر جرمی که وصف سیاسی باشد، جرم سیاسی است.^{۲۵} برخی برای تعیین جرم سیاسی ضابطه‌هایی را

۲۵. میرمحمد صادقی، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، ۳، ۸۳.

تعیین می‌کنند، وجود ضابطه‌های عینی، ذهنی و مختلط برای تشخیص جرم سیاسی از جرم عادی از جمله این ضوابط است.^{۲۶}

و در دکتترین ما نیز جرم سیاسی، رنگ و بوی غربی و کاملاً تعریف وارداتی به خود گرفته است. آن‌گونه که برخی جرم سیاسی را عمل مجرمانه‌ای می‌دانند که هدف آن واژگون کردن نظام سیاسی و اجتماعی و برهم زدن نظم و امنیت کشور باشد^{۲۷}؛ و برخی آن را جرمی علیه تشکیلات و طرز اداره حکومت و یا مبانی حقوق ناشیه آن برای افراد می‌دانند^{۲۸}؛ و برخی دیگر جرم سیاسی را جرمی می‌دانند که با انگیزه و هدف سیاسی، تشکیلات سیاسی مملکت، اساس حکومت و حقوق سیاسی افراد را مورد حمله قرار می‌دهد.^{۲۹} در هر صورت تعابیر مختلفی برای اداره مسئله مربوط به جرم سیاسی مرقوم شده است. به‌راستی وقت آن نرسیده است که مقنن به‌عنوان اراده مافوق اراده‌های موجود قدمی برداشته و اقدام به تعریف جرم سیاسی، ارائه معیاری برای آن و نظام‌مند کردن آن پردازد؟! و این مهم در قانون جرم سیاسی که به‌صورت شتابزده به‌تصویب رسید، به‌صورت کامل تحقق نیافت و صرفاً قانونی برای بستن فهم حامیان حقوق بشر شد و صرفاً در مقام نظری باید بدان بالید.

به‌هرحال سیاسی بودن جرم یا نبودن آن دارای آثار حقوقی می‌باشد که با مذاقه در سیستم حقوقی کشورهای دیگر و سابقه تقنینی نظام جمهوری اسلامی ایران می‌توان بدان رسید. از جمله مزایای سیاسی بودن جرم:

۱. استرداد مجرمان سیاسی طبق یک قاعده سنتی حقوق بین‌المللی ممنوع است. همچنان که در بند ۲ ماده ۸ قانون راجع به استرداد مجرمین آمده، مجرمین سیاسی غیرقابل استرداد می‌باشند و طبق اصل ۱۵۵ قانون اساسی نیز می‌توان به مجرمین سیاسی پناهندگی داد؛
۲. رسیدگی به جرایم سیاسی علنی است که موضوع مقاله حاضر نیز مطلق بودن رسیدگی به جرم سیاسی به‌صورت علنی می‌باشد ولی برای روشن شدن اذهان اعلام این مقدمه ضروری است؛
۳. رسیدگی به جرایم سیاسی با حضور هیئت‌منصفه می‌باشد؛

۲۶. اردبیلی، حقوق جزای عمومی، جلد ۲، ۵۷.

۲۷. صانعی، حقوق جزای عمومی، ۳۷۵.

۲۸. علی‌آبادی، حقوق جزایی، جلد ۱، ۱۰۳.

۲۹. محسنی، دوره حقوق جزای عمومی، جلد ۲، ۱۵۰.

۴. مجازات اعدام در مورد مجرمین سیاسی اعمال نمی‌شود. همچنان که در اکثر کشورها چنین مقرراتی دال بر لغو این مجازات وجود دارد؛^{۳۰}
۵. زندانیان سیاسی مجبور به کار نمی‌شوند (قانون راجع به وادار نمودن مجرمین غیرسیاسی به کار مصوب ۱۲ اسفند ۱۳۱۴)؛
۶. طبق ماده ۶ طرح جرم سیاسی مجرمین سیاسی لباس زندان نمی‌پوشند؛
۷. ارتکاب جرم سیاسی از سال ۱۳۵۲ تاکنون سابقه کیفری برای محکوم علیه محسوب نمی‌شود (ماده ۲۶ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ اصلاحی ۱۳۵۲)؛
۸. اعاده حیثیت برای محکومان جرم سیاسی نسبت به مجرمین عادی قلیل‌المدت بود (ماده ۵۸ ق.م.عمومی ۱۳۰۴ اصلاحی ۱۳۵۲) و ...^{۳۱}.

در هر صورت هم‌اکنون در نظام حقوقی ایران کوششی در زمینه احیای اصل ۱۶۸ قانون اساسی در قوانین عادی به عمل نیامده و در تلاشی که مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۸۰/۰۳/۰۸ مبنی بر تصویب طرح جرم سیاسی به عمل آورده بود در تاریخ ۱۳۸۰/۰۳/۳۰ با مخالفت صریح اعضای شورای نگهبان روبه‌رو شد.^{۳۲} علاوه بر این طرح‌های مختلفی نیز توسط نهادهای دیگر مانند وزارت کشور در خصوص لایحه جرم سیاسی به عمل آمد که هیچ‌کدام مقبول طبع واقع نشد و آرزوی تعریف جرم سیاسی که در اصل ۱۶۸ به صراحت به آن اشاره شده به دهه چهارم خود رسید و علی‌رغم اهمیت فراوان این موضوع حتی در قانون جرم سیاسی نیز مقنن آن‌طور که بایسته و شایسته است به این مهم عنایت درخور توجهی نداشته است. درحالی که مجرم سیاسی می‌خواهد با استفاده از استعدادها و توانایی‌های خود، گامی در جهت منافع ملی کشور بردارد و یا به وظیفه شرعی و اخلاقی خود عمل نماید. چگونه می‌توان چنین کسی را همانند مجرم عادی مجازات نمود؟ آیا این دید موجب رکود و بیماری جامعه و باعث ایجاد روحیه بی‌تفاوتی نسبت به مسائل کشور در بین شهروندان نخواهد شد؟ موضوع اصلی این مقاله در اینجا بیان می‌شود که نه تنها تلاشی از سوی قانونگذار ایرانی در جهت اجرای اصل ۱۶۸ قانون اساسی به عمل نیامده است؛ بلکه دادگاه پس از اظهار عقیده دادستان، قرار غیرعلنی بودن محاکم را در موارد زیر صادر می‌کند:

الف) امور خانوادگی و ...؛

۳۰. امیرعلائی، مجازات اعدام، ۹۷، ۱۰۱.

۳۱. پیوندی، جرم سیاسی، ۱۶۴.

۳۲. موسی‌زاده، دادرسی اساسی در جمهوری اسلامی ایران، جلد ۲۰، ۷۸۹.

ب) علنی بودن محل امنیت و ... باشد.

و در ماده ۳۰۵ اشعار می‌دارد: به جرایم سیاسی و ... با رعایت ماده ۳۵۲ این قانون به‌طور علنی در دادگاه کیفری یک مرکز استان محل وقوع جرم با حضور هیئت‌منصفه رسیدگی می‌شود.

و به‌موجب اصل ۱۶۸ قانون اساسی «رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیئت‌منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد و ...» و در اصل ۱۶۵ قانون اساسی نیز به اصل علنی بودن رسیدگی دادگاه‌ها و استثنائات آن پرداخته است. با بررسی این مقررات کاشف به‌عمل می‌آید که اقدام قانونگذار عادی در وضع ماده ۳۵۲ و ۳۰۵ قانون آ.د.ک سال ۱۳۹۴ نه‌تنها اقدام به احیای اصل ۱۶۸ ق.ا. نبوده بلکه زمینه نقض آشکار این اصل را نیز فراهم کرده است. جالب‌تر اینکه در قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵ و در ماده ۴ مقرر کرد: «نحوه رسیدگی به جرایم سیاسی و مقررات مربوط به هیئت‌منصفه مطابق قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۰۴ است.» به عبارتی مقررات رسیدگی به جرایم مجرمین سیاسی را به قانون آیین دادرسی کیفری احاله داده است، درحالی‌که هدف این قانون باید افتراقی کردن و افتراقی‌سازی نحوه محاکمات مجرمین سیاسی با مجرمین عادی محدود می‌شد.

در تحلیل حقوقی ماده ۴ قانون جرم سیاسی و مادتين ۳۰۵ و ۳۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری باید متذکر شد: طبق یک طبقه‌بندی مهم و باتوجه‌به سلسله‌مراتب قوانین تقسیم می‌شوند به: ۱- قانون اساسی؛ ۲- قوانین عادی و فایده مهم این دسته‌بندی در لزوم پیروی مقررات هر دسته از طبقه بالاست و در تبیین ماهیت قانون اساسی گفته می‌شود، قواعدی که حاکم بر اساس حکومت، صلاحیت قوای مملکت، حقوق و آزادی‌های فردی است و در همه حال باید قوانین تالی از قانون عالی که به‌عنوان قانون مادر از آن یاد می‌شود، تبعیت کند؛ همچنین از آنجایی که حدود صلاحیت قوای سه‌گانه را قانون اساسی معین می‌کند، پس تصمیم‌های قوه قانونگذاری نباید با آن اصول مخالف باشد و این به‌معنای این نیست که قوه مقننه زیر نفوذ و بازرسی قوه قضائیه باشد. به عبارت دیگر وظیفه دادرس صرفاً اجرای قوانین مصوبی که مجلس در راستای اصل ۷۱ قانون اساسی وضع می‌کند، نیست بلکه اگر قانون عادی مغایر با قانون اساسی باشد باید یکی را بر دیگری مقدم دارد که به حکم عقل قاعده عالی بر قاعده تالی ورود دارد. ماحصل این تحلیل حقوقی، بر این قاعده استوار است که دادرس صلاحیت انتخاب قانون حاکم با رعایت سلسله‌مراتب را دارد و این به‌معنای نقض

استقلال قوه مقننه که در اصل ۵۷ قانون اساسی اشاره گردیده، نمی‌باشد. چه آنکه استقلال دادرس نیز ایجاب می‌کند که قاضی آزادانه بتواند در برابر قوانین متهاافت مطابق اصول حقوقی تصمیم بگیرد و ناگزیر نباشد که در تجاوز به قانون اساسی با قوه مقننه هم‌داستان شود.^{۳۳} علاوه بر این تحلیل حقوقی، از نظر اصولی نیز اصل ۱۶۸ قانون اساسی خروج تخصصی از قاعده موجود در اصل ۱۶۵ دارد و قیود موجود در این اصل نیز حاکم بر اصل ۱۶۸ نمی‌باشد. باتوجه به این تحلیل حقوقی و تبیین اصل علنی بودن، به‌طور کلی باید گفت نحوه رسیدگی به جرایم سیاسی و باتوجه به اصل ۱۶۸، رسیدگی به صورت علنی و بدون هیچ قید و شرطی می‌باشد و اصل مرقوم وارد بر اصل ۱۶۵ می‌باشد. با این اوصاف قضات در مقام اجرای قانون عالی (قانون اساسی) باید در رسیدگی به اتهامات مجرمین سیاسی باتوجه به اصل علنی بودن مطلق رسیدگی‌ها عمل نمایند و جایی برای تمسک به ماده ۳۰۵ و ۳۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری و ماده ۴ قانون جرم سیاسی نمی‌باشد. خروجی این تحلیل حاوی این پیام مهم می‌باشد که در صورت برگزاری محاکمه به صورت علنی حقوق و آزادی‌های قانونی و طبیعی متهمانی که در ارتباط با محاکمات سیاسی می‌باشند، تضمین می‌شود و قاضی نیز همواره خود را در معرض دید و قضاوت دیگران می‌بیند و خود را از مظان اتهام می‌رهاند.^{۳۴} صحبت اینجاست که در جلسه مشروح مذاکرات خیرگان قانون اساسی یکبار اصل ۱۶۵ به علنی بودن رسیدگی‌ها و استثنائات آن پرداخته و بار دیگر در یک اصل جداگانه به علنی بودن رسیدگی‌ها در خصوص مجرمین سیاسی صحه گذاشته است.

به‌طور حتم قانونگذار قانون اساسی نظر به تأکید موضوع داشته است. لذا با تصریح اصل علنی بودن رسیدگی‌های مربوط به مجرمین سیاسی نمی‌توان این نوع محاکمات را به صورت غیرعلنی تشکیل داد و در صورت احراز، تخلف از موازین قانونی اصل مرقوم می‌باشد. چه آنکه دعاوی که به صورت غیرعلنی برگزار می‌شود منحصرأ در ذیل اصل ۱۶۵ بیان شده است و علنی بودن محاکمات سیاسی و مطبوعاتی به صورت یک اصل روشن و غیرقابل تغییر بیان شده و نمی‌توان از آن عدول کرد. حتی به موجب اصل ۷۲ قانون اساسی مجلس شورای اسلامی در چهارچوب حقی که به موجب اصل ۷۱ ق.ا. به او محول شده، نمی‌تواند مبادرت به وضع قانونی مغایر با قانون اساسی نماید و تشخیص این امر به ترتیبی که در اصل نود و

۳۳. کاتوزیان، مقدمه علم حقوق، ۱۴۷.

۳۴. زینعلی، جرم سیاسی و حقوق جزای اسلام، ۱۲۳.

ششم آمده، برعهده شورای نگهبان است. در نتیجه ماده ۳۰۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، اصلاحی ۱۳۹۴ و ماده ۴ قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵ موجب نقض آشکار اصل ۱۶۸ قانون اساسی شده است. نکته‌ی جالب اینکه نه تنها شورای نگهبان این ایراد را به مصوبه مجلس نگرفته بلکه خود در نظریه شماره ۴۸۳۲۸/۳۰/۹۱ مورخ ۱۳۹۱/۰۷/۲۳ به مجلس اعلام نموده «اطلاق ماده ۳۰۵ در مواردی که علنی بودن دادگاه محل نظم عمومی و ... باشد. خلاف موازین شرع شناخته شده است!»^{۳۵} معلوم نیست که علنی برگزار شدن دادرسی مجرمان سیاسی چگونه می‌تواند محظورات مذکور را به دنبال داشته باشد.

پافشاری‌های شورای نگهبان در جهت عدم تصویب لایحه جرم سیاسی، ضررهای هنگفتی به نظام دادرسی ایران به عمل آورد، در حالی که ضرورت ایجاب می‌کند که با صرف نظر کردن از این ایراد نامعقول زمینه اجرای اصل ۱۶۸ قانون اساسی به عمل آید. چه آنکه تالی فاسد این امر قانون شتابزده «قانون جرم سیاسی» شد. با مراجعه به تاریخ حقوق اساسی جدید و به ویژه حقوق تطبیقی، ملاحظه می‌شود که نظام قضایی ویژه‌ای با خصلت سیاسی، در مورد برخی از جرایم و پاره‌ای از مجرمان که تعبیر به قضاوت سیاسی می‌شود، لازم به نظر می‌رسد.^{۳۶}

علنی بودن رسیدگی به جرم مجرمان سیاسی امتیازی است که قانون اساسی به آنها اعطاء کرده و این مهم به هیچ شرطی مقید نیست تا بی طرفی قاضی و صحت و تقسیم دادرسی در معرض پایش افکار عمومی قرار گیرد. مضاف بر این آیین دادرسی کیفری تابع اصولی است که بر قواعد و مقررات آن حاکمیت دارند. این اصول، اصول کلی، دائمی و الزام آور هستند که بنیان برگزاری یک دادرسی صحیح و قانونی را تشکیل می‌دهند که از مهم ترین این اصول علنی بودن دادرسی می‌باشد.

نتیجه

علی‌رغم اینکه مفهوم جرم سیاسی از دوران باستان تا کنون دستخوش تغییرات شده و از جرم بزرگ، خیانت بزرگ و جرم بی‌رحمانه به جرمی با وجهه قابل قبول تغییر یافته است و اندیشمندان با نظری ارفاق آمیز بر آن نگریسته و برخی ملاطفت‌های قانونی را برای آنان مدنظر قرار داده‌اند؛ اما با توجه به تحولات اخیر و فقدان معیار دقیق برای ارائه تعریفی نظام مند از جرم سیاسی و تعیین حدود و مصادیق آن و اختلاط این جرایم با سایر جرایم خطرناک و

۳۵. خالقی، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، ۲۷۰.

۳۶. شریعت پناهی، بایسته‌های حقوقی اساسی، ۲۸۲.

ترس مقنن جمهوری اسلامی ایران از این مسئله و سوءاستفاده از آن از کلیت این نظر ایده‌آل کاسته و نظر سخت‌گیرانه‌ای را نسبت به این جرایم پدیدار ساخته است. حدود ۳۶ سال از عدم‌احیای اصل ۱۶۸ و اصلاح قانون اساسی سپری می‌شود و فراتر از آن با تصویب قانون جدید آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۲ و اصلاحیه ۱۳۹۴ و قانون جرم سیاسی که به‌زعم بانیان آن قانونی همسو با تحولات حقوق بشری است، زمینه نقض اصل ۱۶۸ قانون اساسی به‌عنوان قانون مادر به‌وسیله ماده ۳۰۵ قانون آیین دادرسی کیفری و ماده ۴ قانون جرم سیاسی که امکان محاکمه مجرمان سیاسی را به‌صورت غیرعلنی پیش‌بینی کرده، فراهم شده است. به‌عبارتی دیگر سیاسی بودن و یا نبودن جرم را به‌دستان رویه قضایی نامعلوم سپرده و گویی مجرم سیاسی هیچ تفاوتی با مجرم عادی ندارد. مؤید ضمنی این امر ماده ۵ قانون جرم سیاسی می‌باشد که اشعار می‌دارد: «تشخیص سیاسی بودن اتهام با دادسرا یا دادگاهی است که پرونده در آن مطرح است. متهم می‌تواند در هر مرحله از رسیدگی در دادسرا و تا پایان جلسه اول دادرسی در دادگاه نسبت به غیرسیاسی بودن اتهام خود ایراد کند. مرجع رسیدگی‌کننده طی قراری در این مورد اظهارنظر می‌نماید. شیوه صدور و اعتراض به این قرار تابع مقررات قانون آیین دادرسی کیفری است.»

به‌نظر می‌رسد قانونگذار باید با لحاظ افتراقی‌سازی در این زمینه در جهت اقداماتی ازجمله برگزاری محاکمه مجرمان سیاسی به‌صورت علنی و بدون استثناء قدم بردارد. نسبت به محاکمه مجرمین سیاسی علاوه‌بر اینکه هیئت‌منصفه مداخله دارد، لازم است در راستای مواد ۲۹۶ و ۲۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری نظام تعدد قضات بدون استثناء و به‌دلیل فنی و تخصصی بودن احراز موضوع جرم سیاسی گام بردارد. آخرین نکته اینکه بهتر است در راستای ماده ۳۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری، رسیدگی به جرایم این دسته از مجرمان مستقیماً در دادگاه انجام شود و دادگاه در صورت لزوم از همکاری‌های دادسرای مربوطه و با قید نظارت بهره‌مند شود. برای برون‌رفت از تعارض اصل ۱۶۸ قانون اساسی با مواد ۳۰۵ و ۳۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری و ماده ۴ قانون جرم سیاسی در نظام فعلی قضات باید در مقام اجرا و باتوجه‌به سلسله‌مراتب قانونی اصل ۱۶۸ قانون اساسی را بر سایر مواد مقدم دارند.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- آخوندی، محمود. *آیین دادرسی کیفری*. جلد ۴. چاپ چهارم. تهران: انتشارات سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۸.
- آشوری، محمد. *آیین دادرسی کیفری*. جلد اول. چاپ شانزدهم. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۱.
- اردبیلی، محمدعلی. *حقوق جزای عمومی*. جلد دوم. چاپ سی و دوم. تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۳.
- اصغری، محمد. «جرم سیاسی در حقوق ایران و مطالعه تطبیقی آن». رساله دکترای، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۹.
- امیرعلائی، شمس‌الدین. *مجازات اعدام*. تهران: دهخدا، ۱۳۵۷.
- پاشا صالح، علی. *مباحثی از تاریخ حقوق*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۱.
- پیوندی، غلام‌رضا. *جرم سیاسی*. تهران: انتشارات اندیشه اسلامی، ۱۳۸۸.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*. جلد چهارم. چاپ پنجم. تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۱.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*. جلد دوم. چاپ پنجم. تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۱.
- خالقی، علی. «اصل علنی بودن دادرسی در پرتو اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی». *مجله پژوهش‌های حقوقی* ۳ (۱۳۸۳): ۲۹-۴۹.
- خالقی، علی. *آیین دادرسی کیفری*. جلد اول. چاپ سی و یکم. تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۰.
- خالقی، علی. *نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری*. یک جلدی. چاپ اول. تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۳.
- دانش، تاج‌زمان. *حقوق زندانیان و علم زندان‌ها*. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۹.
- دیوان کیفری بین‌المللی. مرکز تحقیقات استراتژیک، معاونت پژوهش‌های فقهی و حقوقی.
- راوندی، مرتضی. *سیر قانون و دادگستری در ایران*. تهران: نشر چشمه، ۱۳۶۸.
- رودی، ک.ک. ج. *آشنایی با علم سیاست*. ترجمه بهرام ملکوتی. چاپ دوم. تهران: کتاب‌های سیمیرغ، ۱۳۶۷.
- زینعلی، محمدرضا. *جرم سیاسی و حقوق جزای اسلام*. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۸.
- شریعت‌پناهی، سید ابوالفضل. *بایسته‌های حقوقی اساسی*. یک جلدی. چاپ چهل و هفتم. تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۲.

- شمس، عبدالله. *آیین دادرسی مدنی*. جلد دوم. چاپ سی و یکم. تهران: انتشارات دراک، ۱۳۹۳.
- صانعی، پرویز. *حقوق جزای عمومی*. یک جلدی. چاپ دوم. تهران: طرح نو، ۱۳۸۸.
- علی آبادی، عبدالحسین. *حقوق جزایی*. جلد اول. چاپ سوم. تهران: انتشارات فردوسی، ۱۳۸۸.
- کاتوزیان، ناصر. *مقدمه علم حقوق*. تهران: انتشارات سهامی انتشار، ۱۳۸۸.
- محسنی، مرتضی. *دوره حقوق جزای عمومی*. جلد دوم. چاپ دوم. تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۸.
- مدنی، سید جمال‌الدین. *تاریخ سیاسی معاصر ایران*. قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۸۴.
- معین، محمد. *فرهنگ فارسی*. جلد ۴. چاپ چهارم. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۸.
- موسوی خمینی (ره)، روح‌الله. *تحریرالوسیله*. جلد دوم. چاپ سوم. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۹۰.
- موسوی‌زاده، ابراهیم. *دادرسی اساسی در جمهوری اسلامی ایران*. جلد بیستم. چاپ اول. تهران: اداره چاپ و انتشار معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات، ۱۳۹۳.
- میرمحمدصادقی، حسین. *جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی*. یک جلدی. چاپ بیست و یکم. تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۲.
- هاشمی، سید محمد. *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*. جلد ۲. چاپ بیست و چهارم. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۲.

ب) منابع انگلیسی

- Bledose, Rober L. and Boleslaw A. Boezek. *The International Law Dictionary*. Santa Barbara, Calif: ABC. CLIO, Inc USA, number 142, 2006.
- Garner, Bryan A., Henry Campbell Black. *Black's Law Dictionary*. Vest, 2010.
- Rome Statute of the International Criminal Court United Nations Treaty Collection.
- Sills, David L, Editor. *International Encyclopedia of the Social Sciences*. vol. 12. New York: the Macmillan Company and the Free Press, 2001.